

امام همه

امیرحسین فردی در کتاب **امام خمینی**
به زبانی ساده، ۸۷ سال زندگی امام را روایت می‌کند

طاہرہ راہی روزنامہ نگار

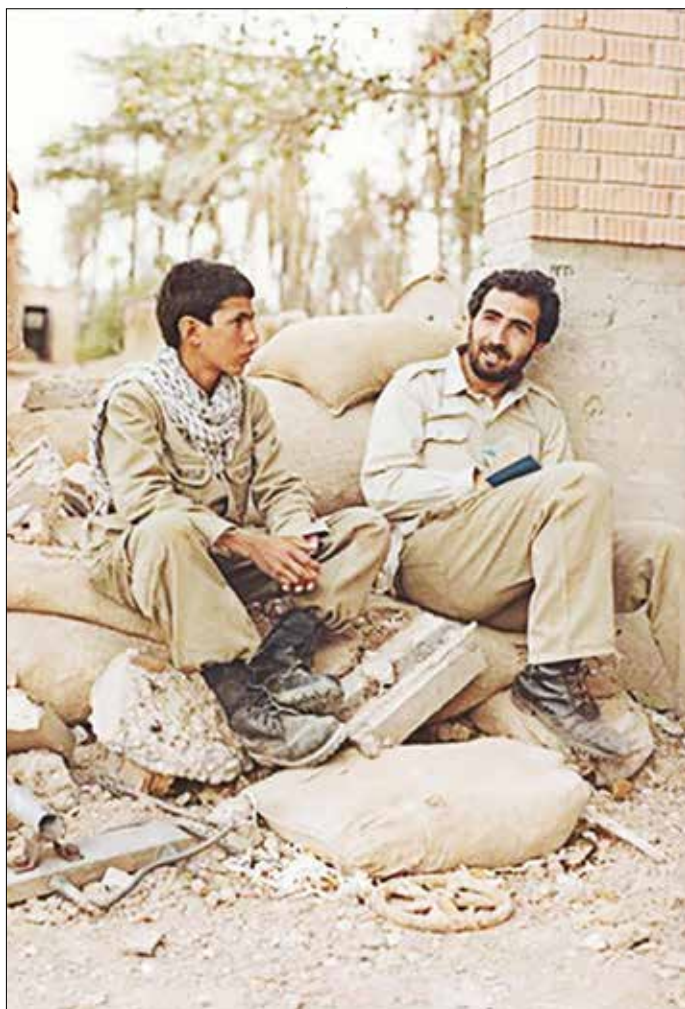
متولدان دهه‌های ۵۰ و ۶۰ بودند و یک «کیهان بچه‌ها»! آن زمان نه شبکه‌های مختلف تلویزیونی بود تا برنامه‌های خاص کودکان را روی آنتن ببرد و نه سرگرمی‌های کاذب امروزی. کودکان و نوجوانان آن روزها یا بازی‌هایشان در حیاط خانه و کوچه و محله بود یا ساعتی مشخص را جلوی تلویزیون می‌گذراندند تا با حداقل برنامه‌های مخصوص به خودشان دنیای رنگارنگشان را زیباتر کنند.

در این میان آثار مکتوبی مانند «کیهان بچه‌ها» با شخصیت قائل شدن برای همان نسل توانست به خوبی در میان دل‌های فرزندان ایران زمین جا باز کند. هر چند شاید برخی ندانند مردی که خاطرات روزهای کودکی‌شان را پررنگ‌تر کرد، امیرحسین فردی بود. کسی که از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۹۲ سکان هدایت مجله «کیهان بچه‌ها» را به عهده داشت و با فراخوان نویسندگان کودک و نوجوان از هر طیف و سن و سلیقه، توانست دوران درخشانی برای این هفته‌نامه خلق کند و بسیاری از نویسندگان پرتوان را تربیت و آثار فاخر بسیاری در حوزه کودک و نوجوان را خلق کند و برای ما به یادگار بگذارد.

او اما تنها در «کیهان بچه‌ها» و قصه‌های کودکانه خلاصه نمی‌شود، او قصه می‌نویسد و با کتاب‌هایی چون «گرگ‌سالی» و «اسماعیل» از انقلاب و ضدیت با استعمار می‌گوید. اما چیزی که او را متمایز کرده، نه «کیهان بچه‌ها» است، نه «گرگ‌سالی» و نه «اسماعیل»، که نگاه ساده او مراحل مختلف زندگی امام خمینی (ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است. کتابی آرام، کم‌حجم و نثری ساده که برای فرزندان ایران نوشته شده و مخاطبان خود را به روزهایی می‌برد که هنوز متولد نشده بودند، اما شخصیت‌هایی بزرگ همچون امام خمینی مشغول مبارزه با رژیم پهلوی بودند، کتابی که به خوانندگانش شناختی نسبتاً کامل از شخصیت رهبر انقلاب

می‌دهد، همان گونه که خود در بخش ابتدایی کتاب از امام خمینی می‌گوید: «روزی که به دنیا آمد هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که سال‌ها بعد، مسیر تاریخ ایران و اسلام را عوض خواهد کرد و میلیون‌ها انسان مظلوم، نامش را یکصدا فریاد خواهند کشید. روزی که به دنیا آمد، مثل همه روزهای دیگر بود. خورشید مثل همیشه از مشرق طلوع کرده بود، چشمه‌ها جوشیده بودند و رودها هم‌چنان راه دریا را پیموده بودند. تنها فرق آن روز با روزهای دیگر این بود که صدها سال پیش از آن، نجیب‌ترین بانوی عالم، حضرت زهرا (س) در چنان روزی متولد شده بود؛ همین.»

امیرحسین فردی در کتاب «امام خمینی» دوران زندگی ۸۷ ساله حضرت روح‌الله را، با زبانی ساده



و بدون فراز و فرود برای مخاطبینش به تصویر می‌کشد. او که کتاب را با سال‌شمار زندگی امام آغاز کرده، با بخش کوتاهی به آغاز حیات او پرداخته و تصویری روشن از کودکی امام برای مخاطبین کودک و نوجوانش و حتی بزرگسال نشان داده است، تصویری که شاید آغازگر مسیر پر نشیب و فراز زندگی حضرت روح‌الله باشد؛ «چند ماه از تولد روح‌الله نگذشته بود که صدای شلیک گلوله‌ای، در کوره‌راه کوهستان خمین و اراک پیچید و به دنبال آن، سواری سرفراز از پشت به خاک افتاد. روح‌الله نه صدای گلوله را شنید و نه از شهادت پدر باخبر شد... روح‌الله بی‌آنکه خود بداند، در چند ماهگی فرزند شهیدی دلاور شد، هیچ‌وقت نتوانست چهره پدر شهیدش را پیش چشم مجسم کند، صدایش را بشنود

اسماعیل



«اسماعیل» از شناخته‌شده‌ترین آثار داستانی امیرحسین فردی است که با راوی دانای کل روایت می‌شود. ماجرا در یک محله به اسم قنبرآباد می‌گذرد. اسماعیل زاغو که جوانی زیبارو، بلوند، کتابخوان و ورزشکار است به قهوه‌خانه علی خالدار رفت و آمد می‌کند. آغاز داستان نویسنده کمی از حال و هوای محله و شخصیت‌های داستان می‌گوید و داستان به آهستگی وارد زندگی اسماعیل و گذشته و حال او می‌شود.

گرگ‌سالی



«گرگ‌سالی» ادامه رمان «اسماعیل» است. اسماعیل جوان مبارزی است که در پی فرار از ماموران ساواک، خود را به مشکین شهر می‌رساند تا از آنجا به روستای باللی جا و به دیدن مش عموآوغلی برود. «گرگ‌سالی» پیش از انقلاب را روایت می‌کند که آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها در اطراف مجتمع اقتصادی کشاورزی مغان دست به اصلاح نژاد گرگ‌ها می‌زنند، اما این گرگ‌های اصلاح نژادی توسط آمریکایی‌ها مبدل به گرگ‌های آدم‌خوار می‌شوند و زندگی را بر مردم منطقه تنگ می‌کنند...

هامون؛ زهک‌لوت و آن حوالی



امیرحسین فردی در سفرنامه «هامون، زهک‌لوت و آن حوالی» از سفرش به این مناطق کویری کشور و آداب و رسوم و روش و منش مردمان سختکوش این خطه گفته است: «کودکان و زن‌ها، با لباس‌های رنگارنگ، در اطراف کپرها دیده می‌شوند. تعدادی از آن‌ها، با مشاهده کاروان ما، به سمت مدرسه زهک‌لوت سرازیر می‌شوند و در فاصله دو متری می‌ایستند و تماشای ما می‌کنند...»